



ناشرانیه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (یازدهم) دو شنبه ۳۰ نور ۱۳۴۷ هـ - ۲۰ می ۱۹۶۸ ع
بارق شفيعی

د فوق الاعاده ملی محکمی تشکیل

د هغو اشخا صو او عالی رتبهه ماورینو د محاکمی او مجازاتو په مقصد چه دخلکو په حقوقو، فریاد او اجتماعي آزادی دوی بی تیری کړیدی او د خلکو او دولت له مالو څخه یی ناروا او ذیبات سر ووتو نو د دوی شتمنی په لاس را ووی دی د ملی محکمو د تشکیل په لاره کی مجاهده کویږی.

(د خلک) د مو کراتیک مرام اجتماعي چاری کلو نه کلو نه کیری چه دحا کمه طبقا تو او دهغوی دبی جلیه ارتجاعی او ظالمو سنیاسی محافلو دجینی استبداد کړی، دتول میواد دبی دفاعو او مظلومو خلکو مرگی نیولی نه، دتوری از تجاع د سانیس او استعماری جیوا لکر عوامل داکری ورځ تر ورځی پیسی تنکوی او دپاره ما راو دنا ووی استغادی مورد کړوی. قتلو نه، زپړو نه، خورولو او بی مکی اوردو حیسنو نه، بهی اخیستلو د دولت له شتمنی او دوزبار استیو نکو خلکو له غو بنومانی جړی ول، دا ټول داسی حقایق دی چه یه عیواد کی هغی وو دهغوی خچه انکار نشی کولی. افغانستان خپل شوی خلک د دی ټولو ښکاره او در دوو نکو فجا نغو او بی جلیو شا هدان دی. سو بیره پر دی چه د دی غم خپلی خوری خلک، دروند د ډیرو انسانی حقوقو او آزادیو څخه

پایان مارش قهرمانانه کارگران تفحصات

پتړول شپږ غان عامه اهالی شپږ ودهات انجازا دران کړده بونه، باجمله ویه منظور دفع الوقت که شیوه همیشگی انبساط دست زده وسخت کوشیدنه تااز بهم بیوسن امواج کارگران قهرمان شپږ غان وکړوه کارگران بلخمری جلوی کیزی نمایند. اطلاع میروماند درهمین روز دررقم اول قویان زاندارم (که از ولایت کنده اشعار شده بودند) باصطلاح نقاط حساس شپږ غان خبر نگار برجم به تعقیب اطلاعات فیصلی درمورد مارش طغر نمون کارگران تفحصات پتړول شپږ غان اطلاع میدهد که عده کثیري از کارگران وشا گردان وکړوهی از روشنگران مرفی شپږ بلخمری روز ۱۲ لوریان حمایت واطهار بنشینانی وهمدردی. تا کاروان مارش کنده کارگران از شپږ بلخمری جا نسب رباطک (۲۰ کیلو متر) بلخمری (تظاهرات شان حرکت کردند ومارش را باعراش تجلیل واستقبال نمودند. اطلاع میرساند، هنگامیکه گروه کارگران نساجی وسینت غوری از مقابل مرکز پروژه بلخمری شپږ غان عبور میکردند، قویان بدان پروژه به افراد عسکری تفت فرمال خود دستور داد که ازپیشروی کارگران جلوی کیزی بعمل آرند. ولی کارگران اخیر پروژه بحایت از کارگران بلخمری اخطار دادند که نباید افراد قویان که هرگز وظایف پولیس را بدوش نیاوردند مزاحم کارگران مارش کنده شویند.

مارش استقامت خاصا بر ای شاکردان که سال دروزیر آفتاب سووزان دسواربود، لیکن دهقانان وروستایان وکوچیان که درراه باین حووان شادباش میفکندند، هرکیم متضررا باایشان برخورد، شاکردان که دسته اول مستقیل مارش کنده را تشکیل داده بودند بادن شعراهای: کونده باد کارگران مبارز وولیر تفحصات، ... مرده باد ارتجاع و... مرده باد استبداد و... راه بیسن بلخمری و رباطک را بیورند.

د باره جنبش آزادی بخش ملی

د پروبلماهای حیاتی د کثرت های کم رشد و نوینیاد

- اهداف دمو کراتیک ملی
- جنبیه متحد دمو کراتیک ملی
- جدو لت دمو کراتی ملی
- د دور نمای نوی
- افریقادر جنبش ملی راه است
- نقش ملل درحال انکشاف در امور بین المللی
- خلقها وخلق سلاح
- ملل متحد وکشورهای درحال انکشاف
- وحدت ضامن پیروزی است
- جنبش آزادی بخش ملی بخش افنگال نا بدیر پرو سه انقلاب جهانی
- اهداف دمو کراتیک ملی
- جنبیه متحد دمو کراتیک ملی
- جدو لت دمو کراتی ملی
- د دور نمای نوی
- افریقادر جنبش ملی راه است
- نقش ملل درحال انکشاف در امور بین المللی
- خلقها وخلق سلاح
- ملل متحد وکشورهای درحال انکشاف
- وحدت ضامن پیروزی است
- جنبش آزادی بخش ملی بخش افنگال نا بدیر پرو سه انقلاب جهانی

از آنجا نیکه جهان بیسی علمی خلاق و در حمله ۱ پو و تو نیست های «واست» و «چی» قرار گرفته است، یز چم ناشر ا ندیشه های دموکراتیک خلق، بافلاخ ووطنان، دوستان ورفقای صدیق خلق کارگر وطن محسوب ما افغانستان می رسا ندکه، در شماره های آینده در چوکات شرایط و اصول و اخلاق عالی مرتبی ووطن پر ستانه و بدو ن تلقیات ذهنی، بر مبنای ما خذ تئوری مترقی وپیشرو مطالب تشو رینک زبرین را «تحت عنوان جنبش آزادی - داری»

طبقات و مبارزه طبقاتی

مرحله ستر مایه داری رشد یافته، ارتقا باید برای همیشه به طلم وستم و استثمار انسان از انسان پایان دهد. **اشکال عمده مبارزه طبقاتی کارگران مزدور:** مبارزه طبقاتی کارگران مزدور (زنجیران یا زحمتکشان یا بولواترا) دارای سه شکل عمده اقتصادی، سیاسی وایدئولوژیکی است که هیچکدام آنها را نمیتوان مطلق کرد ومنتاسب با شرایط باهم ارتباط بالسنستی و منطقی دارد. مبارزه اقتصادی عبارت از مبارزه طبقه کارگر بصفد بهبود شرایط زندگی وکار خویش است که ساده ترین شکل مبارزه بشمار میروند، کارگران درجریان مبارزه اقتصادی ازکار فر مانان افزایش دستمزدها، تقلیل ساعات روز کار و غیره و مطالبه میکنند. معمولترین شیوه مبارزه اقتصادی کارگران بیان مطالبات خاص است که هرگاه مورد قبول کارفرمایان قرار نگیرد، کارگران دست انضصاب میزنند.

مارش ظفر نمون کارگران - سیاست دفع الوقت حکومت

هیات حاکمه کشور از آزادی ودمو کراسی و بیاماری شعوری خلقهای افغانستان بیترسد! «من استیضاح نور احمد و کیل بنچوان قدهارا از حکومت»

و صووع اول استیضاح عبارت است از اعتصاب، تظاهرات و مارش کارگران تفحصات پتړول شپږ غان. مارش مسالمت آمیز و دایمی توأم با انضباط همین کارگران تفحصات پتړول شپږ غان، مایه افتخار خلق کارگر افغانستان یکی از حوادث مهم اجتماعی و سیاسی کشور محسوب میمانند. نخستین خصوصیت این مارش تحلیلی، تقسیم، استقامت شکست ناپذیر و اتحاد مستحکم کارگران وطن ماست که نشان میدهد مردم کشور ما از دمو کراسی دفاع میکنند و تعمیم دمو کراسی خواست مردم خلق افغان است. این مارش قهرمانانه کارگران به تلقیات و حر فهای مری تحمیل که در افغانستان استبداد حضمه دمو کراسی را نازد ودموکراسی موجب هرج و مرج میگردد، جواب و ندان - شکن داد.

تظاهرات کارگران، دهقانان و شاگردان لیسه میرمنجلی در ولایت کاپیسا

شعور طبقه ای مردم مبارزه علیه ستم ستر مایه وپورو کراسی فاسد دران کوشه کشور یکی هم تظاهرات روز شنبه (۲۱ آور) بود. این تظاهرات ساعت ۸ قبل از ظهر از طرف کارگران اتحاد شا گردان وطلیبر سنت میز مسجیدی ودهقانان کم زمین دبی زمین آغازیاد، درحدود هشت ساعت جاریان داشت وپیشتر از دو هزار کارگر، شاگرد ودهقان دران اشتراک داشتند. شعار های عمده اساسی این تظاهرات مبارزه علیه استبداد، ارتجاع، بوروکراسی و ضرورت وحدت صفوف زرمند خلق و همبستگی نیرومند کارگران، دهقانان و روشنگران علیه دشمنان خلیه کار دموکراسی، استقلال ملی، صلح و ترقی اجتماعی بودند. مطالبات عمده تظاهر کنندگان از همانا اعتراض شدید علیه ریاست فابریکه نساجی گلپهار درمورد ریختن

(بقیه ص ۲)

افغان نستان است، لطمه عظیم وارد میکند و از جانب دیگر این خود حکومت است که با اتحاد ووش استبدادی در برابر خواسته های حداقل خلق کارگر کشور، باعث اخلال نظم عامه میگردد.

مارش ظفر نمون کارگران...

آیا شباغلی اعتمادی طبق وعده که در خط مشی خویش داده بودند که در برابر جرایم استبدادی بیطرف خواهند بود و طبق قانون حرکت نخواهند کرد مطمن استند که این روش از طرف بقی اعضای حکومت شان واداره در افغانستان تطبیق میگردد ؟

مجاهل سیاسی کشور تبصره مینمایند که تمام اعضای حکومت در این امر متجانس نیستند، یعنی در حکومت بسیاریند کسانی که در برابر آزادی های دموکراتیک افراد ودموکراسی حساسیت مزمن دارند و برای شان مسائل مهم نیست و ماهرانه به اتفاق ارتجاع سناها تلاش میکنند که جوانه های آزادی را از ریشه بکشند و بخصوص فصل سوم حقوق افراد متدرجه در قانون اساسی را عملا از بین ببرند وعلیه بعضی جریانات وطنپرست و کوماندت تبریکاتی را، مثل حکومت سلف شما، ابراز میدارند. و از طریق تو لید نفای وزو خورد ها وفتنه انگیزی پروا (کمیون) دیرین مردم آزادی خواه ودموکرات افغانستان اصل دموکراسی را بی اعتبار جلوه دهند. همچنانحقوق زندگانی روز مراجماعی ما نشان میدهد که قانون در کشور تطبیق نمی گردد واعمال ضد قانونی و خود سزای ماموران دولت همچو نه جرایمی ندارد، ارتشاه و دستمزد از بودجه اتوان و خجالت آور دولت دیگر حذر جصری ندارد، ظلم و بیاداد گری به اوج خود رسیده است، قدرت ارتجاع سیاه راست افراطی روزافزون است، فقر و بیماری مردم را تهدیدیه مرگ میکند، قوانین بر بو طه بی که از طرف قوای ایالاته دولت مورد تصویب میگردند، همه نشان دهنده محدود ساختن ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی است، حتی می توان گفت که بشکل بسپاری ماهرانه و مجیلانه، با تصویب قوانین جدید، تمام آزادی ها و حقوق مردم از بین برده میشود، بلان همچنان بصورت نیم بند باقی ماند، آهنگ رشد اقتصادی به صورت هلاکت باری بطی است. نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استعمار نوین روز افزون است. سکتور دولتی اقتصاد روز بروز مورد دستمزد و توطئه قرار میگیرد، بازارهای کشور فرو تاجران دلال داخلی وابسته به استعمار جدید و نمایندگیهای انحصارات سر مانه داری بیرحمانه آزاد گذاشته شده، تجمع سر مایه برای سر مایه گذاری های بزرگ جهت صنعتی شدن کشور اصلا مفهوم اقتصادی را در کشور ندارد.

خود را باز خواندند کرد وارتجاع سپاه را لکام خواندند زد. تحقق این امر به مصالح کشور مطابق دارد. ورنه کسی نخواهد با ناخواهد نهضت یوزاد افغانستان جدید راه خود را میگذراند زیرا بدون مبارزه پیر وری ممکن نیست، این قانون تکامل اجتماعیست، بهاراده شخصی ویا کدام موسسه سیاسی تعلق ندارد. شباغلی اعتمادی صدراعظم شیوه دپلو ماتیک را کنار گذاشته، روی این درد های ملی از نگاه واز لحاظ اینکه مسؤ ولت بزرگ بعهده شماست توضیحی بدهد!

د فوق العاده ملی...

محرور دی، با اساسا زموه به هیواد کی تراوسه پوری د قانونیت اصل، یعنی دمهور مو او زیار ایستو نکو طبقه به کپه د قانون تطبیق هیچ مفهوم نری، بلکه لکه لکه یو تیره خنجر د حاکمه طبقی او د هفی دکودا گیانو به لاس کی دخلکو پر ضد جلیله لی دی،

زموه به هیواد کی با اصلا دخلکو به کپه هیچ قانون ندی شده شوی او با که بدی ورو ستیو وختو کی د قانون جوړ ولو نهضت، منته به نون قانون هیچکله تطبیق شوی ندی، دپا ملری و سوال دادی چه آیا تر اوسه پوری د افغان نستان د دولت له خوا کوم کوچنی تصمیم هم نیول شوی دی، چه به بنیادی او اساسی نو که د کلا لومو ما ورا نو لاس دخلکو د پسرته کړی او هغه اعمال باقی نه وړ سوی چه بی جلیله، ضد قانون، اود محروم اکثریت د کپو ضد دی، اویسایه دولتی دستگاه کی دناصرا لحو اوقا سیدو دولتی عناصرو دپه جلیله تا پا کو نو د مخ نیوی به غرض کومه کوچنی تصفیه د دولت به دستگاه کی وشی ؟ هیچکله نه !

تر کمن دلته به شعر :

آزاد لقی سوسی
مو ننت او نگه مده آزاد لقی سوسی
غریب خلق او سخته کولو له کته اویت
ارتجاع طالمه فرشی بوللیان
بویال بناملر برده سین بیوتی
بو حق سوسی ناچه وقت لرت لوتیولی
بورکه دو تولان نکلان نیشلی
بینه «پرچم» آلی اخبار نیشلی
ظلم خلق ایشی بر برین لویت
کو پنگ منفعین استک نظره
بولیله تخت لر هیچ بولمزهر
سین خلق دین بو لسه گر شو بوله بوره
دیبان «پرچم» بو زین بو زینه سورتی
عدالت ویر لیک آتسه او قیوتی
کینسر طالب مستند لر کو کیتی
خلق دو شینسه اینت آلر حقیقی
دیبان ایشی - دهقان بیل باغین تارتی
پر چم نیشی بلقم سما چشم بیز لره
بو لره تر نیر هیچ با قفس میزا یزله
کونی گلنسه باقرس داغ ووزلره
(فر) هوه شیولسه دپ دریتی آرت تی

آزاد لقی سوسی

ما اکنون انتظار داریم که شباغلی اعتمادی صدراعظم مو تف و تصمیم حکومت خویش را در برابر این مارش برانبار کارگران تفصیلات بطور کامل شبرانی توضیح نمایند.

د (فر) اند خویدن

برایند
تا آنجا که میتوانست نگاه کرد ملی
دران میان آشنایی نیافتم، این امر را
دیده ام و چشمانیکه داغهای سینه
و فر مز در گرد آنها حلقه بسته بود
بلون آنکه توجه محافظین را بخود
معطوف سازم، و بدون چرخش من،
مردم جلو عقب و بفرمانم زانگیز شدم.
تا کجا که چشم راستم بایک نگاه متوجه
مردی که به پاهایم نشسته بود گردید.
سمای او آشنا نمی نمود، با آنکه
داغهای ضربه چوره او را تغییر داده
بخود گفتم: «بی شعور»...

برای لحنی چشمی من چشمانم
را بستیم. حلقه جرات بلند
کردن دست و مالیدن چشمانم را از
دست د اده بیووم، تا خود را از این

موضوع دوم استنباط روی مسائل عمومی وحاد کشور:

نگنه مهمی که در محافل سیاسی افغانستان مطرح بحث است، میان ما مسئله نقب کزاری در برابر قانون اساسی وخصوصاً علیه یک سلسله آزادیهای محدود از قبیل آزادی تجمیل مطبوعات و اجتماعات است که در زین اواخر در کشور جوانه زده است و به اصطلاح، گویا شباغلی اعتمادی از خود نکوتی تحمل در زمینه نشان داده است او محافل سناها ارتجاعی راست افراطی در هیات حاکمه دولت وهم در حکومت دست به انواع تحریکات، توطئه و نقتن میزند. مثل اینکه برای این آقایان دموکراسی دهنم عمده و حیوان نیست که آنها را خواهد بلعید.

گوستا فو چیگو

بمن گفتند: «به چوکی دومی بنشینم سکتو مگر بار بر اتان مسلط بود و فقط صدای غوغای اس، اس و گشتا بو که با کالیای ملکی ملینس بودند، سکتو بود. مردم با سنگین حرکت میکردند. گونی خشم و وحشت در کمین نشسته بود. همه چیز برنیم غیر عادی بود. فکر میکردم در تیان برای تماشای نمایش وحشت نشسته ام. چوکتیها مقابل من از نفر بود، در اطرافم نیز نفر نشسته بود. وقتی بنهایی سرم را حرکت دادم دینم در لابلای تاریکی، کنار میز ها وجوار دیوار دردم نشسته اند و یکدهم هم کنار دیوار روپرویی ما ایستاده بودند. دوسیه های متعدد زرد را وای تیریکی دود نمایان بود، سطح زمین با آجر

اگر او سالم باشد همه چیز تو برده خواهد شد...
انگهان ماشین متوقف شد. در کشوده شد و ما بیرون شدیم. من در برابر عمارت سنگنی که مردم با سکتو و ستر شکتوسی از مقابل آن میگشتمند قرار گرفتم. بانک قدیمی و مرکز فر ما ندھی معلق کشتا بو - خانه رفیع ملت چکوسلوواکیا، کاخ بیگوف... محافظین مرا احاطه کردند و از استیمن گرفته بدخل عمارت می کشیدند. گشتا بو ها با عملت ما به هدلیس تنگ و تاریک بائین می آوردند. دروازه دوزخ در نظرم نمایان شد... در رهرو آمده با سگهای جسمی که در کنار شان لمیده بود ایستاده بودند، اخسارن میکردم که تیرهای قرد این نگاه عیای سگها و سهران اسن اسن در جام نفوذ میکند در بعضی وقت بیکی از منزلهای بالایی به آتاقیکه از فود سگرت انباشته بود رفتیم.

ترجمه از: م. «بری»
زویا رها سازم. وقتی چشمهایم را دوباره کشودم آن چهره هنوز آنجا بود. با وحشت در لورده که راستی اورتیق جلیتیک بود.
در کجا دستگیر شده بود...؟ چرا...؟ آیا اوبو جولیبوس راضیه داشت...؟
دیدگان جلینک به طرف من کشن کرد و سر خود را آهسته طوریکه آن داد مثل اینکه بگوید: «ما همدگر خود را هرگز نمی شناسیم». این حرکت او افاده روشنی، نظیر روشنی آتش نیمه سوخته داشت... با حرکت غیر محسوس و مشابه اورا تأیید کردم. «ما همدگر خود را نمی شناسیم». این حرکت باقی چوکی نشست و مانند یک زن چن عای را آتقه دامن خود را جمع کرد.

د (بافیدارد)

پایان مارش قهرمانانۀ کارگران تفحصات ...

بهم پیوستند و موج هم رزم که از دریای اجداد سر کشیده بودند جلوهگری کردند و توانستند برای موقت جریان مبارزۀ قهرمانان پیشرو شیرغان را از مسیر احساسات و برخورد خروشان مستقبلین زحمتکش و شاکردان و عامۀ مردم و طلیس مست بلخمری مستور کنند.

شنا کردن بلخمری که نتوانسته بودند کسک ها و همسردر بسپا ی خود را به مارش کنندگان کارگر شیرغان برسانند، دربار گشت با کارگران نساجی و سمنست غوری دوباره بسوی بلخمری طی منزل کردند و بعد از بیمودن ۸۰ کیلومتر فاصله ساعت ۱۰:۳۰ شب پنجو ک وسطی شهر وارد شده و میتنگ عظیمی ایجاد کرد، دستۀ اشتراک

کنندگان در میتنگ حمایت همهجانبۀ خود را از مارش کنندگان شیرغان اعلام داشتند و ارتجاع و استبداد افغانستان را که عامل تنگن این بیمه ستمناست محکوم نمودند. میتنگ در حوالی ساعت ۱۲ شب پایان رسید.

خبربال برچم علاوه میکند که هنگام تظاهرات و مارش کارگران و شاکردان بلخمری در آنسروز بعضی حوادث و برخوردها با ماموران حکومت عهدنی از کارگران و شاکردان آسیب دیده اند و بنام علی محمد نعیم شاکرد صنف ۱۱ لیسۀ بلخمری در آنسروز لشو کوب پولیس ایدار آمده و بعدا بحال کوما ارفاضله ۴۰ کیلومتر بشفاخانۀ ملکی بلخمری منتقل شده است.

(بقیه ص اول)

طبقات و مبارزۀ طبقاتی

پرو لاریا يك جریان پیچیده است که کندی و سرعت آن منوط است به شرایط مشخص در هر کشور. درست است که بهترین مکتب برای رشد شعور طبقاتی کارگران مبارزات روزه روزه بشمول مبارزه برای متافع قوری آنهاست، ولی این شکل مبارزه کافی نیست. برای اینکه طبقه کارگر به يك سطح عالی شعور طبقاتی نایل آید و بسامع طبقاتی و یوطبقه عظیم تاریخی خود آگاهی یابد به يك شکل مبارزه ایست که لژیون تاجرانند است.

از همه اوقات مبارزه ایدولوژیکی کارگران مستلزم داشتن يك جنبه یعنی يك تئوری علمی ایکه بتواند راه آزادی طبقه کارگر را نشان دهد، میباشند. زیرا بدون تئوری علمی پیشرو، نهضت پیشرو نمیتواند وجود داشته باشد. اساسا تئوری و عبادت است از تخریب به نهضت کارگری تمام کشور ها ولی باید جدا در نظر داشت که هرگاه تئوری یعنی علم پارٹیکی (عمل) میا و رزۀ ترمز گردد آنان چیز بیفروموسی برآید خواهد شد. طریقه اکر عمل خود را با مشعل تئوری روشن نسازد آدم کسول و ضعیف را مانده میکند. جنبش پیشرو (عمل مبارزه) کشتی است تئوری پیشرو قطب نما، قطب نما بدون کشتی رتگه میر توکتی بدون قطب نما بگمراهی می رود. به این معنی تئوری رهنمای عمل است. باید خاطر نشان کرد که طبقه کارگر و یامنحیت المجمع تمام زحمتکشان «بعلاست نداشتن وقت و فرود شدن نداشتن وسایل و کمی آموزش فایز نیست چینی تئوری علمی پیشرو را که رهنمای عمل شان گردد، ایجاد کنند. این تئوری توسط روشنفکران که بسوی پرو لاریا آمدند پیدا کرد.

در جای دیگر گفته میشود که: «ارتجاع تمام کشور ها کوهی منبده که طبقه کارگر با قواوی خود مختصرا نمیتواند آکامی تریو نیویستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، بر ضد کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور به تسلیم قوا نیی نماید» برای کارگران لازم است وغیره ولی آموزش سوسیالیسم آنان تئوری های فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشونما یافته است که نمائندگان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تبعی نموده اند... مؤجدین سوسیالیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت

برابر مسط لبات قانونی و معقول اقتصادی و صنعتی کارگران قهرمان و باشباهت تفحصات بیرونی شیرغان، که با نهر و مندی و استواری بی سابقه تی در راه تأمین آن مبارزه کردند. برخورد قانونی نکند و به آن جواب مثبت ندهد، برچم بنابه مسؤولیت تاریخی خود موضوع ارتجاع معقب و از حق قوی کارگران شیرغان دفاع خواهد کرد. چنانچه تحت احوال همین مسؤولیت نواز احمد وکیل پنجوا نی عضو فرسیون دموکراتیک خلق دولسی جرکه هنگام جلسۀ استیضاح تاریخی ۲۴ ژوئن اذیتناغلی اعتمادی صدراعظم دموورد عمل حکومت در برابر کارگران تفحصات شیرغان توضیحات روشن خواسته است که در شانامه امروزۀ برچم منتشر شده و قرار است بنامعلی اعتمادی فردا تو ضیحات حکومت را در اختیار مردم و لسی جرکه ارائه کند و برچم این توضیحات را با اطلاع عامه خواهد رساند.

اجتماعی خود در زمره روشنفکران بورژوازی بودند... در جای دیگر اظهار میگردد که آگاهی سوسیالیسم در کارگران اصولا نتوانست وجود داشته باشد، این آگاهی فقط از طریق کارگران ممکن بود وارد کرده باید در نظر داشت طرفدار این جریان خود بخودی کارگران با نظر اپوزیونیستی (این الوقتی) است. یعنی تئوری گرایی پدر واقع تئوری اکر نقش همین کسول و ضعیف است که در هر کارگر و حزب طبقه کارگر روی همین ملحوظ است که میگوید: «فکش يك جنبار و فکاش آهنگ واقف حزبی نمیتواند ایفاء کند که با تئوری مترقی رهبری شود.

مؤزراتکه عقیده سوسیالیسمی بر اساس پیشرو و تئوری طبقاتی، اقتصادی و سیاسی ایجاد شده می توانست که این ازمراطرف متفکرین بزرگ و برینویی که تمام زندگی و بنابر خلاق خود را در مبارزه آزادی بخش طبقه کارگر و قوی کردند ایفاء کردید. آنان با دست علمی و بسط و تکامل دادند که در نتیجه آن منافع اساسی طبقه کارگر و ضرورت آزاد آن از هیچ استثمار درک شد. راه رسیدن به هدف کشف و نابودی نظام سرمایه داری و ساختن جامعه سوسیالیستی بحیث قانون تکامل اجتماعی است که در نتیجه آن منافع طبقاتی اساسی نهضت طبقه کارگر وضاحت پیدا کرد. ولی باید در نظر داشت که جهان یعنی علمی طبقه کارگر که از طریق درخواه مسایل نیست که خلق کارگر در مراحل بعدی تاریخی در تحت شرایط جدید و اوضاع و احوال جدید با توجه آنکه این جهان بینی علمی برای همیشه سلاح بران طبقه کارگر در مبارزه باشد، باید پیوسته با آن صورت خلاق برخورد کرد و بر اساسی معلومات جدید علمی و تجارب تازه آن مبارزه طبقاتی ملیونها انسان آنرا غنا بخشید و در شکل تمام داد و لی باید وقت کرد که تئوری علمی و پیشرو طبقه کارگر پیوسته از طرف ایدولوژیکی بورژوازی عناصر فتوداد و امپریالیست برست و همچنان از طرف رفورمیستها تجدید نظر طلبان راست و چپ» مورد حمله قرار میگردد. لذا مبارزه باید منظور یاکیزه نگه داشتن جهان بینی

درخواست این بحث خاطر نشان میگردد که: با تدوین و درک تئوری علمی و پیشرو و طبقه نیرو های رفیخواه و پیشاهنگ انجام نمی یابد، بلکه آغاز میگردد. به این معنی که بر اساس و درک این تئوری باید آنرا تبلیغ و ترویج کرد و در افکار خلق جهان بینی علمی پرورش داد، شعور طبقاتی و سیاسی طبقه کارگر را نشور کرد، جریان خود رو خود بخودی آنها را تبدیل به جریان شعوری کرد و بسط آگاهی آنها را بالا برد تا کارگران بتوانند ماوریت تاریخی و نقش پیشاهنگی خود را برای نجات تمام خلق اعصار دهقانان، پیشه و ران و زحده بورژوازی و روشنفکران از قید اندیشه های بورژوازی و رفورمیستی ایفاء کنند و آنها را با خود متحد سازد. باز هم باید جدا در نظر داشت که مبارزه ایدولوژیکی نیز همانند مبارزه اقتصادی بالذات همانند نیست. این مبارزه تابع وظایف

اقتصادی تعریفونه او اصطلاحات

بیشتر: ماخذ: اعلام اقتصاد رساله دردی

انسان احتیاجات: ددی لیا ره که انسان ژوند و کولی شی یو له معنیو اشیاوو ته اتریا لیه چه د قویتی تکامل ددر چی به اعتبار توپیر پیدا کوی. پنجاو تر عسره انسان داسی شیانو ته ضرورت لری چه دده لومر نی اتریاوی لکه خوراک و پوین، استو کنخی او نور سا مین (بسپا) کاندی. مگر هر خو موزه ۲۴ ژوئن اذیتناغلی اعتمادی صدراعظم دموورد عمل حکومت در برابر کارگران تفحصات شیرغان توضیحات روشن خواسته است که در شانامه امروزۀ برچم منتشر شده و قرار است بنامعلی اعتمادی فردا تو ضیحات حکومت را در اختیار مردم و لسی جرکه ارائه کند و برچم این توضیحات را با اطلاع عامه خواهد رساند.

هغه شیان چه دانسان اتریاوی رفع کوی ما دی غویشنی یا مال بل کیری

از (ص اول)

تظاهرات کارگران

صحیح عامه تدابیر صحنی را در زمین مورد اتحاد کند. چون فابریکه حق نجانبان و این امر جدا قابل توجه بدانشانی می شود.

یک سلسله امتیازات دیگر را به ماورین عالی رتبه کاپیسا قابل شده است. بنابراین اند کترین امتیاز هم بدعا ضاهای منطقی مردم نگردند و برچم ازینهمه اکثر مردم بصورت دستجمعی با مبارزه نبردند، کسی فریاد آنان گوش ندادند.

خبربال می افزاید: اعتراض بجا و بغاضای عمده دیگر مردم کپستان بخاطر سه شدن «پنجره» بود. سال گذشته سریند «پنجره» بود همکاری وزارت زراعت و مردم کپستان بخته کاری شد. در آغاز کار مردم کپستان یک شصت مصارف آنرا خود به عهده گرفته بودند ولی اکنون در حدود ۱۵ هزار جریب زمین مردم بحرم یک عمده از متنفذین محلی که سببهی خود را در مصارف اعمار بند نیردا خسته اند، از آن بنده محروم مانده اند. ازینرو دهقانان صدای اعتراض خود را با بانگ رسا علیه آمریزت پروژه بلند کرده فریاد میکشیدند. با کفاره گناهان ملاکین بزرگشوارباب فعلی فرسای خسته شده شود!

آخرین وگرمترین اعتراض تظاهر آن بول دادهایم و زحمت کشیده ایم. کندی کان علیه چندتن از چهار کلاه موضوع دیگر بکه نه تنها مساله محلی می کشیدند که دست این کلاه بازار محلی را که پیوسته دشمن آن زنج میکشند، مساله توزیع تذکره می باشد.

دهقانان در برابر والی کاپیسا بیک آواز فریاد بر آوردند: کز قش یک تذکره روزها، تیش، دوش و رشوه بکار دارد... همین حالا دهبا و صدها دهقان و کارگر کپست نداشت از میتوان سرخ نمود که چون تون کز قش تذکره ما به فرزندان خود خوش ندارند، فرزندان آنان از حق تحفیلات اجباری انتصابی محروم مانده اند. بنا برین مردم

سیاسی جنبش یعنی تابع تغییر نیادی و کیفی رونمای سیاسی جامعه و غلبه بر نیروهای سیاسی مخالف طبقه کارگر و خلق کارگر یک جامعه است که بنام مبارزه سیاسی یاد میشود و ما در شماره آینده آنرا مطرح بحث قرار میدهم.

بسیار است که در این باره بحث فریاد بر آوردند: کز قش یک تذکره روزها، تیش، دوش و رشوه بکار دارد... همین حالا دهبا و صدها دهقان و کارگر کپست نداشت از میتوان سرخ نمود که چون تون کز قش تذکره ما به فرزندان خود خوش ندارند، فرزندان آنان از حق تحفیلات اجباری انتصابی محروم مانده اند. بنا برین مردم



د افغانستان د امنیت، واک و پرمختګ د وزارت

وضع و قیام رکار گران پروژه

پلغمی - شمیرگان قابل تأثر و نوجه است

پک عمده قابل توجه از کارگران مجروح کشور در پروژه پلغمی و شمیرگان در دشتهای برهنه و در زیر آفتاب سوزان جان میکنند و عرق میزنند و سبب بروز باطنیه سرسخت جهت هموار ساختن راه زندگی برای هموطنان خود تیر می کنند و لی به طالعالبانه ترین شکلی استعمار می شوند و بیاد می کشند و همینکه کوچکترین عدم رضایت از وضع رقتبار خود نشان دهند، چوب و تنک میخورند، به ایستادن در آن محکوم می شوند، حبس میگردانند، زمین می شویند و بیجا های مخالف کرامت انسانی محکوم می گردند.

کارگران این پروژه از ۱۲ تا ۱۸ ساعت علاوه کار میکنند و آناتیکه معارضه و قسامتهای شان در زمین است، همه روزه ۲۰ کیلومتر پیاده راه می یابند، سیاحت ۵ صبح بطرف حوزه کار حرکت میکنند و در حوالی ساعت ۹ صبح بخانه بر میگردند، اما اولین پروژه هر یک است - چهارم در اختیار دارند تا زمینه هوا خوری و شکار و ایستگاه شان نیز میباشد و معینا معاشی که این کارگران از اینهمه جانکمی بدست می آورند حتی مصارف خوشبختان را نکافو نمیکند چهره به به افشای فامیل های شان، و طرفه تری اینکه عده ای از آنها از ماه هاست روی این به اصطلاح معارضه هم ندیده اند، چنانچه به اکثر آنها از اواخر سال گذشته تا اکنون چیزی بنام معاش داده نشده، حتی برخی از این کارگران متمسک از دست فرهاداری روی رفتن بخانه های خود را ندارند و اما وقتی به آفرین پروژه عرضی حال کنند به جزای های تحمل شکن و اخراج از کار تهرید می شوند و بابه وعده های فریبدهنی که هرگز ایفا نشده مواجه می گردند.

تبعیضات زیادی و محلی و غیره و استفاده چونی های ایران، اکثر کارگران با سابقه راز کار بیکار و متوازی ساخته و اجاق آنها را مشخص ناشی و غیر وارد و لی وابسته به فاند و پیمان امر، انتقال کرده است. اینست نمونه دیگری از حیات رقتبار کارگران کشور و نتیجه وجود قانون کار و کارگر در دو افغان نشان ما بیکار دیگر جدا این وضع تا خود آفر رانقیم میکنیم و طیفه خود میدانیم تا از حقوق تلف شده آنان بصورت بگیرد دفاع نمایم.

از (ص ۲)

مارش ظفر ...

که باعث در خطر انداختن وطن می گردد و مانع رشد سریع و کیفی و بنیادی کشور میشود. حقایق تلخ زندگی نشان دهنده این واقعیت است.

بیمین شاعلی اعتمادی چه توضیحاتی میدهند!

سوال اخیر اینست که ما چرا دولت جلسه استیضاح ولسنجی چه بصورت شخص، بسیار ساده حرف زدیم؟ جواب ساده اینست که بیسوادی مرض عام گشته و از تحلیل علمی ما تعییرات سوء میگذرد.

شمار ما که؛ مبارزه علیه ارتجاع سپاه نابورو نیست و در مقابل محافل کاسه سیاسی ارتجاعی کشور، بنا بر ماهیت طبقاتی خویش، خواهد گفت: دفاع از ارتجاع و استبداد و سرمایه کاری استعمار تا سرحد حرکت شماراست. اگر چنین است پس وطن و ملت چه شد؟ لطفا توضیح بدید!

امید داریم در زمینه های مختلفی که استیضاح شد توضیح داده شود.

حقوق کارگران فابریکه خانه سازی

بمال میشود

از فابریکه خانه سازی اصطلاح میدهند که اتلاف حقوق کارگران شعب مختلف باعث ایجاد فضای عدم رضایت شدید کارگران از وضع موجود و برخورد ضد قانونی ریاست فابریکه بخصوصاً قانونی آنان شده است.

کارگران فابریکه خانه سازی می خواهند که یون مو از ارتزاقی برای شان داده شود، بیمه صحتی داشته باشند و از خصمیهای قانونی خویش درمواضع ضرورت استفاده کرده بتوانند.

ولی ریاست فابریکه نه تنها به این خواستههای قانونی آنان کوچکترین ارزشی قابل نمی شود، بلکه بدون موجب کارگران را از کار اخراج میکند، بعضی آنکه برای هر کارگر طبق استحقاق، سالانه دو دست درشتی کار میدهد، بعد از هر دو سال یک دست درشتی آنهم برزید پول نقد عینت (۱) میفرماید و تعجب آورتر از همه اینکه حتی در شعبه تجاری افراد کار رانیز بالای خود کارگر تهیه و خریداری می نمایند.

دعای تخنیک ، میخانیک اوصایه و دینو و نخبو
مطهری
داستعماری کلجر به ضد دعای تخنیک دشا گر دانو دشو و رخو بر له بسی مطهری چه به متانت او انضباط سره نی جریان درلود فریوطو مقامات له خوا د صفوی دصفی مقل با نو به مثل کیو سره پای ته ور سیدلی.

خو دظالما نه تعلیمی قوا نیو او مفر را تو به ضد او صغفی مقل با نو د حا صل لو د پاره د میخانیک او صنا معو د شیو و نخبو دشا گر دانو مطهری د هفتی به او نو دو کی جاری وق.

شاگردان خو وخی بر له بسی له خیلو مزبو طو شیو و نخبو به دمنظمی مطهری به شکل د بو جینی د وزارت به یو رانللو او بی له گوم خواب نه به دشرا به و او بو کینبی کی خیال او د می دمی استبداد او استعماری استبداد او غالی تحصیلات او او او شعاورنه نی و رگول او بیرونه به جینو شیو و نخبو نه نی د خیلو شیو و نخبو دشا گر دانو مطهری سر او سه افامه لری او د فریوطو مقامات له خوا هیچ دول خواب و رگول شوی نه دی.

مامورین حکومت درسریل
ولایت جوزجان ۷۰ تن از اهالی بیگناه را شکنجه میدهند
جنرالی بر جنارو لیسوا لی واکراه اعتراف کنند و با زیر شلاق جان سبنا رند.
سر پل ولایت جوزجان اطلاع میدهند که چندین قبیل دستهای از دزدان، نیمه شب منزل محمد عمر دوا فروش را غارت کرده اند، غارتگران اهل خانه را بشمول زنان و کودکان بشکل بسیار و خسیانه مجروح نموده اند.

غیر قانونی اقدامات
دیر چم شیر بالان دیوادی که اکثر و بالا تو نه او له هفتی جملی خچه له هرات ، لسوکر ، فار باب ، بغلان او کندهار نه اطلاع ور کوی چه بدی ولا یانو کی محلی هر جمعیتها و خینی دولتی ما مورانو د بر چم مورغین او نما بند کال تر نهید ، بیلا ندی نیولی دی او دجریندی دخیریدو به لاره کیبب دقانون خلاف بندیزونه او خندو نه را پیدا کی بدی . مثلا دکندهار به ولا بت کی له موزغ لغو بتنل شو بدی چه کسان ، کوم چه جزجری و قیسی باید خا نو نه معرفی کوی او به یوه پایله با ندی لاسلیک کیچی ، کله چه بو بشتنشو یده چه دا نو ولی ، به خواب کی ویل شو بدی چه دا د ولا بت داستمبارانو داداری هند ا بیت کی دادی به هیواد کی دمنطو عا تو دآز دی نو نمونه (۱) بداسی حال کی چه اساسی قانونی وای: ... هرفغان حق لری خیل فکر دستان ، لیکلو ، تصوری اوعفه دامت او به و سینهلد قانون له احکا مو سره سم اظهار کوی .

اعتصابات و تظاهرات کارگران فابریکه جنگل

خبر نگار ما اطلاع میدهد که کارگران مبارز فابریکه جنگل بنابر عدم اعتنای مقامات مسوول بمطالباتشان بنهارخ ۲۴ کور مجددا دست باعصاب زدند.

خو استنباط قانونی کارگران بیشتر جنگل عبارت است از: افزایش دستمزد، قبول سالانه ۷۰ روز رخصتی با معاش، تهیه وسایل حمل و نقل از فابریکه تا محل سکونت کارگران و رسانیدن ایشان به فابریکه، انتقال پول ذخیره کارگران بیکان و اعاده با مفاد آن بعد از سبکدوشی از کار بکارگران، نو ریح کو یون، رخصتی بعد از ظهر روز های پنجشنبه ، جنرال معیوبیت کارگران در انانی کار، بهبود وضع غذا و لباس کار، تشکیل اتحادیه کارگر ، بر رسمیت شناختن روز بین المللی طبقه کارگر وغیره.

اما ریاست فابریکه باین مطالبات کارگران کوچکترین ارزشی قابل ندیده و حتی حاضر نگردیدند درین زمینه با آنان دا خل مفاهمه رسمی نشوند.

کارگران جنگل بدین مناسبت در صحن فابریکه میتنگهای پرشوری دادند و راجع به شرایط ناگوار کار ، استبداد بی رحمانه و زندگی فلاکت بار خویش و برخورد خلاف قانون و ظالمانه مقامات مسوول سخنرانیها نمودند ، این اعتصاب با گرمی و اسبوری قابل تمجید کارگران روزهای ۲۶ و ۲۷ نور در داخل محیط فابریکه ادامه داشت. ولی چون گوش مسوولان فابریکه در مورد خواستههای اعتصاب با کنندگان بدهکار نشد ، آنان تصمیم گرفتند تا فریاد خود را به مقاومت تبدیل بگوش همه برسانند اما حین حرکت از فابریکه بمقاومت شدیدی قوا زاندارم مواجه شدند و زو خوردند بین آنان و پولیس و قمشه چندین از کارگران جراحت برداشتند.

دو نفر از کارگران ریاست ساختمانی شدیداً مجروح شدند

خبر نگار ما اطلاع میدهد که قبیل ۲۴ نور دو نفر از کارگران ریاست ساختمانی ، شاعلی محمد اعظم کسری و یوسف های اجماعی برای کارگران حوادث نداشتند ، طهری جنین حوادث اسف انگیز و تلخی بسا از فامیلای کارگران مسری تا گذر است.

نمونه دیگری از دستبرد متنفذین محلی بر املاک عامه

عده ای از متنفذین محلی در حوزه ولسوالی ده سبز به قصد سرک عمل حکومت ، املاک دولت را که جزئی از دارائی عامه به شمار میروند، به فروش میرسانند.

گفته می شود که چند تن از ملکان و ارباب ثروتمند چنین وزیر آباد را که جزء املاک دولت است، به دستکاری مقامات مزبور و به طغیان کوی تقسیم می کنند و بالای اشخاص انفرادی به فروش طفعی میرسانند.

اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، ما این دستبرد خائنهانی که دارائی عامه و نتیجه نسی از اشتراک عمقا و مساعی طبقات حاکم و عدالت درین زمینه داشته، شدیداً محکوم می کنیم.

دانشس کال : ۱۳۴۶ (کب)
دانشیار خاوند او مسوول مدیر :
سلیمان (لاقی)
آدرس : غوثی مارکیه
محمد جانخان واپ
کابل ، افغانستان
به مرکز کی دالک ۱۰۰ - افغانی
پهولابانو او بیستو نستان کی دالک ۱۱۰ - افغانی
له هیواده د بانی دالک ۱۰ - دالره
یوه گبه ۲ - افغانی

دولتی مطبعه